



کار آفرینی و نظام آموزشی

✍ رضایزیک مرادلو *

چکیده

از دیاد جمعیت، بیکاری و نیروی انسانی ناکارآمد همواره یکی از مشکلات اساسی جوامع بویژه در کشورهای در حال توسعه بوده است، در ایران نیز ترکیب جمعیت، معضل بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی، کاهش ذخائر نفتی و لزوم ایجاد فرصت‌های شغلی جدید شناخت و پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه، توسعه فرهنگ کارآفرینی در کشور را بیش از پیش ضروری می‌سازد. کارآفرینی به شرطی که با برنامه‌ریزی دقیق انجام گیرد یکی از راه‌های بهبود بیماری امروز اقتصاد کشور و توانمندسازی جمعیت جوان کشور است. بنابراین با توجه به اهمیت پرورش ویژگی‌های روانشناختی کارآفرینی در دانش آموزان و دانشجویان در محیط‌های آموزشی در این مقاله سعی بر آن است که، مفاهیم کارآفرینی و کارآفرین، انواع آنها، ویژگی‌های روانشناختی کارآفرینان و سطوح آموزش کارآفرینی در نظام آموزشی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.



واژه‌های کلیدی: کار آفرینی، نظام آموزشی، ویژگی‌های روان شناختی کار آفرینی، آموزش کار آفرینی.

مقدمه

عصر حاضر عصر خلاقیت، دانایی، دوران بسیج اندیشه‌ها و ابتکارات و تلفیق آنهاست و در کارآفرینی^۱ نیز بحث از به کارگرفتن فکر، ابتکار، فرصت جویی و فرصت آفرینی مطرح می‌شود، اینها مباحثی است که در کشور ما بایستی بیش از پیش مورد توجه مسئولین نظام آموزشی قرار گیرد تا فراگیران در محیط‌های آموزشی، با بهره‌مندی از آموزش‌های لازم، در عرصه رقابت

جهانی، بتوانند به مهارت‌های کارآفرینی^۳ مجهز شوند، با توجه به اینکه سرعت تغییرات و تحولات جهانی ساختار اقتصادی و صنعتی کشورها را دگرگون ساخته است، کشورها می‌بایست توسعه صنعتی و رشد اقتصادی خود را بر اساس نوآوری و خلاقیت شکل دهند. تغییر و تحولات دنیای پر شتاب کنونی در عرصه‌های علمی و فنی و چالش‌های پی در پی نظام اقتصادی، اجتماعی، کاهش ذخائر زیر زمینی، افزایش فقر و بیکاری موجبات توجه عمیق تر سیاستگذاران و اندیشمندان را به مفهوم کارآفرینی فراهم نموده نظام آموزشی کشور بایستی ضمن همسویی با دنیای کار و پیش‌بینی نیازهای اجتماعی، ظرفیت‌های کارآفرینی، ابتکار و

موتور رشد و توسعه اقتصادی است (شومپتر^۱، ۱۹۳۴).
مفاهیم و تعاریف کارآفرینی^{۱۱} و کارآفرین^{۱۲}

از آنجا که کارآفرینی جزء مفاهیم مدیریتی به شمار می‌رود، در تعریف آن میان صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود ندارد و از معنی کلمه آن نمی‌توان به مفهوم واقعی آن پی برد، در نتیجه درک کامل آن نیازمند داشتن دیدگاهی بین رشته‌ای است. اقتصاد دانان نقش‌های کاربردی کارآفرین را مورد توجه قرار داده‌اند در حالی که جامعه‌شناسان و روانشناسان ابعاد فرهنگی - اجتماعی و تاثیرات محیط بر فرد و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان را مورد بررسی قرار داده‌اند، لذا تعاریف متفاوتی از دیدگاه‌های گوناگون برای آن ارائه شده است (احمد پور، ۱۳۷۷).

واژه کارآفرینی ابتدا در زبان فرانسه ابداع شد (اعرابی، ۱۳۸۲، ص ۱۷) این مفهوم از کلمه فرانسوی Entreprenre به معنای «واسطه و دلال» و از واژه آلمانی Unternehmen و اصطلاح انگلیسی To Undertake که هر دو به معنای «متعهد شدن» می‌باشند گرفته شده است (احمدپور داریانی، ۱۳۸۲، ص ۴)، که بعدها در سال ۱۸۴۸ توسط جان استوارت میل^{۱۳} به کارآفرینی (Enterpreneurship) در زبان انگلیسی ترجمه شد (بروکهاوس و هوریتز، ۱۹۸۶). سابقه مفهوم کارآفرینی به ۲۷۴ سال پیش برمی‌گردد و اولین بار فردی بنام ریچارد کانتیلون^{۱۴} در سال ۱۷۳۰ آن را مطرح ساخت، این واژه اولین بار در تئوری‌های اقتصادی و توسعه اقتصاد دانان مطرح شد سپس وارد مکاتب و تئوری‌های کارآفرینی و سایر رشته‌های علوم انسانی گردید (عابدی، ۱۳۸۱).

امروزه کارآفرینی، از عوامل اصلی ایجاد ارزش اقتصادی و ابزاری کارآمد و موثر برای کاهش تعداد بیکاران محسوب می‌شود. کارآفرینی فرایند ایجاد کسب سود از ترکیبات جدید، منحصر به فرد و ارزشمند منابع موجود در محیط همراه با عدم قطعیت می‌باشد (شائمی برزکی و تیموری، ۱۳۸۵، ص ۲۵۲). شومپتر کارآفرین را شخص دارای خصوصیت تخریب‌گری خلاق^{۱۵} می‌داند که با تجاری‌سازی، نوآوری و جانداختن آن در محیطی که پیش تر فاقد آن بوده است، تعادل اقتصادی را برهم می‌زند (بارت، ۲۰۰۶).

ویژگی‌های روانشناختی کارآفرینان

با توجه به منابع علمی و تحقیقی، لیست بلندی از ویژگی‌های روانشناختی، توسط محققین ارائه شده که، از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی و روانشناختی کارآفرینان می‌توان به، نوآوری و خلاقیت، نیاز به کسب موفقیت، ریسک‌پذیری، منبع کنترل درونی، اعتماد به

خلاقیت را در نیروی انسانی توسعه دهد تا توان و امکان اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی فراهم و تسهیل گردد.

دیوید مک‌کلند^{۱۶} (۱۹۶۱) معتقد است که عامل عقب ماندگی در کشورهای در حال توسعه مربوط به عدم درک خلاقیت فردی است او معتقد است که با یک برنامه صحیح تعلیم و تربیت می‌توان روحیه کاری لازم را در جوامع تقویت نمود به گونه‌ای که شرایط لازم برای صنعتی شدن جوامع فراهم آید (تفضلی، ۱۳۷۲). یکی از اهداف تعلیم و تربیت، آماده ساختن افراد برای ایفای کاری مطلوب و رضایت بخش است موضوع کار به نوعی با همه افراد و اجزای جامعه در ارتباط است و از عوامل اصلی رشد و توسعه علمی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود (گلستان‌هاشمی، ۱۳۸۲). زیرا، بیکاری روی عملکرد روانی و جسمانی افراد بیکار و خانواده‌های آنها تاثیر منفی می‌گذارد و این مسئله از نظر فردی و اجتماعی پیامدهای بسیار مهمی دارد (ادوین^{۱۷}، بورن^{۱۸}، تاريس^{۱۹}، فلیر^{۲۰} و بلنک^{۲۱}، ۲۰۰۴). از وظایف نظام آموزشی در هر جامعه‌ای می‌توان «آزاد سازی» و «رهایی» افراد جامعه از ناتوانی، آموزش و هدایت آنان به بازار کار را مورد توجه قرارداد. فرایند آموزش و هدایت افراد به بازار کار در دو دهه اخیر تحت تاثیر سه عامل اساسی قرار گرفته است: افزایش جمعیت، تاثیر متقابل رویدادها در سطح منطقه‌ای و جهانی و نیز تغییرات سریع تکنولوژیک، در نتیجه وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان به طور قابل ملاحظه‌ای دستخوش دگرگونی شده است (بازرگان، ۱۳۷۳).

سابقه مفهوم کارآفرینی به ۲۷۴ سال پیش برمی‌گردد و اولین بار فردی بنام ریچارد کانتیلون در سال ۱۷۳۰ آن را مطرح ساخت، این واژه اولین بار در تئوری‌های اقتصادی و توسعه اقتصاددانان مطرح شد سپس وارد مکاتب و تئوری‌های کارآفرینی و سایر رشته‌های علوم انسانی گردید

نظام پیچیده جهان امروز، چالشهای بزرگی را فراروی کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به رشد اقتصادی و توسعه همه جانبه قرار داده است و شاید بزرگترین چالش اقتصاد ایران در حال حاضر مساله اشتغال است، و یکی از راهکارهای بسیار موثر که نه تنها ریشه در فرهنگ ملی و سنتی ایران دارد بلکه از ابزارهای بسیار کار ساز و موثر توسعه اقتصادی است، کارآفرینی می‌باشد (لباف، ۱۳۸۱). کارآفرینی موضوعی است که از اواخر قرن بیستم مورد توجه محافل آموزشی کشورهای جهان قرار گرفته است اما مهم این است که اکنون در عرصه جهانی افراد خلاق و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشاء تحولات بزرگی در زمینه صنعتی تربیتی و خدماتی شده‌اند، همچنین چرخه‌های توسعه اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت درمی‌آید به عبارت بهتر کارآفرینی

فرایندی است که کارآفرین طی می کند تا فعالیت کارآفرینانه ای را بطور آزاد به ثمر رساند اساساً انگیزه اولیه باعث می شود که کارآفرینان برای خود کار کنند که عبارتند از: نیاز به پیشرفت، علاقه به آزادی و استقلال، احتیاج به رضایت شغلی (صمدآقایی، ۱۳۷۸، ص ۱۷-۱۵). کارآفرینی فردی فرایندی است که در آن با اتکاء به منابع مالی غالباً شخصی و متکی بر ویژگی های شخصیتی نظیر فعالیت ریسک پذیری و اهل عمل بودن اقدام به تاسیس یک کسب و کار جدید می نماید و آن را تارسیدن به موفقیت هدایت می کند (هیسریچ و پیترز، ۱۹۹۸)

کارآفرینی درون سازمانی: ۳۲

اهمیت تفکر و فرایندهای کارآفرینانه در شرکت های بزرگ، بیش از گذشته مورد تاکید قرار گرفت و محققان کانون توجه خود را به چگونگی القای کارآفرینی در ساختار اداری شرکت ها معطوف ساختند (استیونسون و گامپرت، ۱۹۸۵، ۳۳) و کارآفرینی درون سازمانی بطور رسمی در ادبیات کارآفرینی وارد شد. کورن وال و پرلمن^{۳۴} معتقدند که کارآفرینی درون سازمانی فرایندی است که از طریق محصولات، فرایندها، و ایده های جدید در سازمان به اجرا گذاشته می شوند و توسعه می یابند (صمد آقایی، ۱۳۷۸، ص ۲۰). کارآفرینی درون سازمانی فرایندی است که در آن محصولات یا فرایندهای نوآوری شده از طریق ابقاء و ایجاد فرهنگ کارآفرینانه در یک سازمان از قبل تاسیس شده به ظهور می رسند (کرباسی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۳).

کارآفرینی سازمانی: ۳۵

کارآفرینی سازمانی به مفهوم تعهد یک سازمان به ایجاد و مصرف محصولات جدید، فرایندهای تازه و نظام سازمانی نوین است (کرباسی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۳۱). کارآفرینی سازمانی شرایط و بستری را در سازمان فراهم می کند که اولاً، هر شخص یا گروهی که بتواند فرایند کارآفرینی درون سازمانی را طی کند تا بتواند آن را به سرعت، راحت و اثر بخش به اجرا درآورد. ثانیاً، محرک و مشوق افراد برای اجرای فعالیت های کارآفرینانه باشد (صمدآقایی، ۱۳۸۲، ص ۶۶).

سطوح آموزش کارآفرینی در نظام آموزشی

آموزش کارآفرینی یک فرایند یادگیری چند مرحله ای است که حداقل در پنج مرحله متفاوت صورت می گیرد (بلاک^{۳۶}، ۲۰۰۲) آموزش های هریک از مراحل فرایند آموزش کارآفرینی ممکن است با فعالیت های سایر دروس ترکیب شده و یا به عنوان یک دوره درسی مجزا تدریس شود (نیاروا^{۳۷}، ۲۰۰۲) مراحل آموزش کارآفرینی به ترتیب سطح عبارتند از:

۱) **سطح پایه:** برانگیختن برای یادگیری بیشتر و درک فرصت های منحصر به فرد اقتصادی از نتایج مورد انتظار این سطح است.

نفس^{۱۶} بالا، جدیت و عملگرایی، مسئولیت پذیری^{۱۷}، قاطعیت، خودکنترلی، استقلال طلبی و... (ممی زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۹).

ویلیام دی بایگروا^{۱۸}، مدیر مرکز مطالعات کارآفرینی کالج بابسون^{۱۹}، ده ویژگی شخصیتی کارآفرینان را با ده واژه انگلیسی که همگی آنها با حرف D آغاز می شوند، مشخص کرده و آنها را D ۱۰ نامیده است این ویژگی ها عبارتند از:

۱) **رویا^{۲۰}:** کارآفرینان دیدی نسبت به آینده دارند که برای خود و کسب و کارشان جالب و دوست داشتنی است. به عبارت دیگر، کارآفرینان توانایی آن را دارند که رویایشان را به عمل تبدیل کنند.

۲) **قاطعیت^{۲۱}:** آنان امروز و فردا نمی کنند، بلکه سریع تصمیم می گیرند و این سریع عمل کردن کارآفرینان عامل مهمی در موفقیت شان است.

۳) **عملگرایی^{۲۲}:** کارآفرینان بعد از اینکه تصمیم به انجام کاری گرفتند با سرعت ممکن آن را به انجام می رسانند.

۴) **اراده^{۲۳}:** آنان امور مربوط به کسب و کارشان را با تعهد کامل به انجام می رسانند کارآفرینان وقتی با مانع یا موانعی روبرو می شوند که به نظر برطرف نشدنی می آیند، به ندرت تسلیم می شوند.

۵) **وقف^{۲۴}:** کارآفرینان در راه کسب و کارشان از خود گذشتگی زیادی نشان می دهند، بعضی مواقع ممکن است به خاطر کسب و کارشان هزینه زیادی پرداخت کنند، روابط خود با دوستان و آشنایان خود را به هم بزنند، و بدون احساس خستگی کار کنند.

۶) **عشق^{۲۵}:** کارآفرینان عاشق کاری هستند که انجام می دهند، عشق آنها به محصول یا خدماتشان است که کار آنان را در فروش محصول یا خدمات اثر بخش تر می کند.

۷) **توجه به جزئیات^{۲۶}:** آنها دریافته اند که یکی از معیارهای موفقیت توجه به جزئیات مسائل می باشد در نتیجه کارهای کوچک را نیز با کیفیت بالا انجام می دهند.

۸) **کنترل سرنوشت^{۲۷}:** کارآفرینان می خواهند که خود سرنوشت شان را در دست گیرند، نه آنکه به کارفرما وابسته باشند.

۹) **افزایش درآمد^{۲۸}:** انگیزه اولیه کارآفرینان ثروتمند شدن نیست، کارآفرینان پذیرفته اند که اگر موفق شوند، به طور حتم پاداش خواهند گرفت.

۱۰) **توزیع ثروت^{۲۹}:** کارآفرینان مالکیتشان را با کارکنان کلیدی خود که در موفقیت شان نقش حیاتی دارند، تقسیم می کنند (احمدپور داریانی و عزیز، ۱۳۸۳، صص ۵۰-۵۱).

انواع کارآفرینی

کارآفرینی فردی: ۳۰

آنچه در بحث کارآفرینی بیشتر مد نظر بوده و بیشتر به آن پرداخته شده است بحث کارآفرینی مستقل است کارآفرینی مستقل یا آزاد

- اعرابی، سید محمد. (۱۳۸۲). کارآفرینی فرایند خلق ثروت است؛ ماهنامه بازاریابی. شماره ۳۱، بازرگان، عباس. (۱۳۷۳). آموزش برای کارآفرینی در بخش غیر متشکل اقتصادی؛ دانش مدیریت، شماره ۲۵.

- فضل، فریدون. (۱۳۷۲). تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر). چاپ اول. تهران: نشر نی.

- ذبیحی، محمدرضا. مقدسی، علیرضا. (۱۳۸۵). کارآفرینی از تئوری تا عمل. مشهد: نشر جهان فردا، نما.

- رضانیان، علی. (۱۳۸۰). مبانی سازمان و مدیریت، چاپ دوم. تهران: سمت.

- شائمی برزی، علی و هادی تیموری. (۱۳۸۵). رابطه کارآفرینی و نوآوری در سطح خرد و کلان؛ مجموعه مقالات نخستین کنفرانس ملی مدیریت تحول. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

- صمد آقایی، جلیل. (۱۳۷۸). سازمان های کارآفرین، چاپ اول، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

- صمد آقایی، جلیل. (۱۳۸۲). سازمان های کارآفرین، چاپ دوم. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.

- عابدی، رحیم. (۱۳۸۱). کاوش در کارآفرینی درون سازمانی؛ فصلنامه مطالعات مدیریت. شماره ۳۵.

- کرباسی، علی. ولدخانی، محمد. شرافت، مهرداد. عظیم زادگان، حامد. (۱۳۸۱). مروری بر ادبیات کارآفرینی؛ فصلنامه صنایع، شماره ۳۳.

- گلستان هاشمی، مهدی. (۱۳۸۲). اخلاقیات شناسی کار در سازمان های صنعتی؛ مجله خلاقیت شناسی و کارآفرینی. شماره ۳.

- لیاف، محمد. (۱۳۸۱). آموزش کارآفرینی در ایران. مجموعه مقالات کارآفرینی و فناوری های پیشرفته. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- ممی زاده، جعفر. (۱۳۷۸). کارآفرینی و توسعه، نشریه توسعه مدیریت. شماره ۷، آبان ماه.

منابع انگلیسی

Bart, C. (2006). "Product Strategy and formal Structure in Entrepreneurship" Strategic Management Journal. Vol. 7, No.4.

Blake, M. (2002). "Entrepreneurship: Theory and Practice". Academy of Management Review. No. 15, PP. 5-20.

Brockhaus, R. and P. Horwitz (1986). "The Psychology of the Entrepreneur". The Art and Science of Entrepreneurship Cambridge.

Edwin, A.J. Hoof. an. V. Born, M, Taris, W& Flier, H.V.(2004). Predictor and outcomes of job search behavior: the moderating effects gender, and family situation. Journal of vocational behavior.67,133-152.

Hisrich, R. D. and M. P. Peters (1998). "The Individual Entrepreneur in Entrepreneurship". McGraw Hill Publishing.

Nyarwa, C. (2002). "Entrepreneurship Training Programme for Women". Programme Coordinator, NVIWODA, June 10.

Schumpeter, J. (1934). The Theory of Economic Development. Cambridge :Harvard.

Stevenson, H. and Gumpert, D. (1985). The Heart Of Entrepreneurship. Harvard Business Review, 63,2,85-94.

Tomecko, J. (2003). "Entrepreneurship Training for Enterprise Growth". GTZ Laos.

پی نوشت ها:

- | | |
|----------------------------|--------------------------------|
| 1. Creativity | 20. Dream |
| 2. Entrepreneurship | 21. Decisiveness |
| 3. Entrepreneurship Skills | 22. Doers |
| 4. McClelland. D | 23. Determination |
| 5. Edwin | 24. Dedication |
| 6. Born | 25. Devotion |
| 7. Taris | 26. Details |
| 8. Flier | 27. Destiny |
| 9. Blank | 28. Dollars |
| 10. Schumpeter | 29. Distribute |
| 11. Entrepreneurship | 30. Entrepreneur |
| 12. Entrepreneur | 31. Hisrich & Peters |
| 13. John Stewart Mill | 32. Intrapreneur |
| 14. Richard Contillon | 33. Stevenson and Gumpert |
| 15. Creative Destruction | 34. Corn Wall & Perlman |
| 16. Self-Confidence | 35. Entrepreneurship Corporate |
| 17. Responsibility | 36. Blake |
| 18. William D. Baygrave | 37. Nyarwa |
| 19. Babson College | 38. Tomecko |

*کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی از دانشگاه تهران

مدرس دانشگاه پیام نور و دبیر آموزش و پرورش

۲) سطح پرورش شایستگی ها: سطح پرورش شایستگی ها به آموزش حرفه ای نیاز دارد (رضانیان، ۱۳۸۰). به طور مثال، جریان های نقدینگی و مسائل مدیریتی و اقتصادی مرتبط با آن می تواند در درس ریاضی ویژه کارآفرینی گنجانده و آموزش داده شود.

۳) سطح کاربرد خلاق: این سطح در برگیرنده کاربرد خلاق می باشد.

۴) سطح راه اندازی کسب و کار: هدف این مرحله راه اندازی یک کسب و کار توسط فراگیرانی که آموزش های لازم را در سه مرحله قبل کسب نموده اند می باشد (تامه کو ۳۸، ۲۰۰۳). بعد از کسب تجارب شغلی خاص و آموزش های لازم، به مساعدت های خاص مربیان خود لازم دارند تا تجارب مرتبط با شغلی را که دیده اند را بالفعل نمایند.

۵) سطح رشد و توسعه: دوره ها و گردهمایی های مستمر علمی - آموزشی می تواند در ارتقاء توانایی های کسب و کار افراد و شناخت مشکلات بالقوه و چگونگی برخورد با آنها موثر باشد (بریچ، ۱۹۹۴).

بحث و نتیجه گیری

رشد و پویایی جامعه در گرو انسانهای سازنده و خلاق است و تنها زمانی یک جامعه خواهد توانست به رشد و توسعه واقعی برسد که: نظام آموزشی در دو بعد فردی و اجتماعی وظایفش را به خوبی بشناسد و عملی نماید تا افراد بتوانند مسائل را بشکافند، تجزیه و تحلیل کنند، موانع را دریابند و از میان بردارند، راه حل ها را ارائه دهند و آنگاه عمل کنند، از این رو اولین گام جهت حرکت به سوی توسعه، شناخت است شناخت نسبت به آنچه که هست و تعیین فاصله تا آنچه که باید باشد امروزه توانمند ساختن و اشتغال فارغ التحصیلان یکی از مشکلات اصلی نظام آموزشی کشور می باشد، بنابراین شناسایی عوامل مرتبط با این مشکلات می تواند در زمینه اشتغال دانش آموختگان موثر باشد. با تدوین یک نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی مناسب، تشخیص نیازهای جامعه و مسائل مربوط به آن، تحلیل ساخت درونی نظام آموزشی و سنجش تاثیرات متقابل نظام آموزشی و دیگر نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موضوع کارآفرینی را که ضرورت توسعه می باشد، مورد توجه بیشتری قرار دهند. ■

منابع فارسی

- احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۷۷). طراحی و تبیین الگوی پرورش مدیران کارآفرین در صنعت. پایان نامه دوره دکتری. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تربیت مدرس.

- احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۸۰). کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها). تهران: انتشارات پردیس ۵۷.

- احمدپور داریانی، محمود، عزیز، محمد. (۱۳۸۳). کارآفرینی. چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم.

- احمد پور داریانی، محمود. (۱۳۸۲). کارآفرینی و نقش آن در اقتصاد ملی، مجموعه مقالات کارآفرینی و فناوری های پیشرفته. انتشارات دانشگاه تهران و موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.